فهرست

[اصول/ سیره عقلائیه 2](#_Toc121750887)

[پیشگفتار 2](#_Toc121750888)

[محور دوم در سیره 2](#_Toc121750889)

[چند نکته مقدماتی 2](#_Toc121750890)

[نکته اول 2](#_Toc121750891)

[نکته دوم: انواع متعلق سیره 3](#_Toc121750892)

[نکته سوم 5](#_Toc121750893)

[اقسام سیره‌ها 5](#_Toc121750894)

بسم الله الرحمن الرحیم

# اصول/ سیره عقلائیه

# پیشگفتار

گفته شد که در ادامه مباحث سیره نگاهی هم به سیره متشرعه بیفکنیم، آنچه در مباحث پیشین مطرح شد سیره ناس یا سیرة العقلا بود و سیر مستحدثه عقلاییه را سابق بحث کردیم اینها منظومه مفصلی از مباحث راجع به سیره که جای خود دارد.

# محور دوم در سیره

اما محور دومی در سیره وجود دارد که عبارت است از سیره‌های متشرعه باشد

# چند نکته مقدماتی

چند نکته در مقدمه اشاره می‌کنم که نکات جدیدی نیست و سابق گفته شده است و ناچاریم که یادآوری کنیم و پس از آن بپردازیم به مباحث اصلی در باب سیره متشرعه و شهید صدر هم این مباحث را در مباحث سیره آورده‌اند

شهید صدر سیره را به عنوان سیره عقلا طرح کرده‌اند و ضمن آن چند مطلب کلیدی و اساسی راجع به سیره متشرعه هم بیان کرده‌اند.

باهم آمده است در جلد چهار بحوث که احتمالاً بحث سیره را طرح کرده‌اند باهم سیره عقلا و متشرعه را آورده‌اند و جاهایی که یک وجه مایزی داشته است سیره متشرعه، مورد تأکید قرار داده‌اند در پایان بحث هم یک تفاوت‌هایی بین سیره متشرعه و عقلا ذکر کرده‌اند.

بنابراین تفکیکی در کلام ایشان نیست که سیره العقلا و سیره الناس و سیره المتشرعه

اما در تضایف بحث به تفاوت کاملاً توجه شده است و نکات مهمی هم اشاره فرمودند.

یادآوری چند نکته

نکاتی که سابق کم و بیش مورد اشاره قرار گرفته بود و الان هم مرور و یادآوری خواهیم داشت به این ترتیب است

## نکته اول

یکی راجع به مفهوم سیره بود که مفصل بحث کردیم و حاصل آن این بود که سیره‌ای که اینجا به کار می‌گیریم اعم است از خود رفتار و فعلی که صادر می‌شود.

آداب و کیفیت‌های آن فعل، یک نوع رفتار این است که مردم این چراغ قرمز را رعایت می‌کنند این رفتاری است

نوع دوم این است که کیفیات و ویژگی‌هایی را رعایت می‌کنند چراغ قرمز را رعایت می‌کند با این دقت است؟ با این آداب است؟ با این رسوم است، آداب و رسوم فعل را هم شامل می‌شود

و احیاناً جایی که سیره بروزی هم پیدا نکرده است یک حالت ارتکازی دارد که شأناً سیره، آن هم ممکن است حتی بگیرد.

و از طرف دیگر اینکه سیره به عنوان موضوع بحث در مفهوم آن اخذ استمرار و تکرار و امثال اینها هم نشده است ممکن است صدور یک فعل معنی‌دار بشود. و گاهی هم معنی ندارد باید تکرر داشته باشد اینها جزو احکام آن است و الا عنوانی که در بحث قرار می‌گیرد؛ فعل و انحاء و کیفیات رفتار و حتی آن مناشئ کیفیات و صدور فعل که ارتکازات باشد در دایره سیره قرار می‌گیرد و اعم است از صدور یک‌بار و دو بار یا صدبار و هزار بار، همه را می‌گیرد.

## نکته دوم: انواع متعلق سیره

این که متعلق سیره یا مضاف‌الیه سیره یا من یصدر منه الفعل و السیره انواع و اقسامی دارد که این روش سیره و فعل صادر از کیست؟

۱- سیره مردم

رفتاری که مردم اعم از یک نفر یا گروهی از مردم دارند، سیرة الناس

۲- سیره العقلا

اینکه ناس از حیث عقلایی کاری را انجام می‌دهند نه از حیث شهوانی یا جهات دیگر، از حیث اینکه از حکمت و عقلی برخوردارند کاری انجام می‌دهند.

۳- عقلای خاص

ممکن است که مردم عاقل ولی با اتصاف به اوصاف خاصی فاعل آن سیره و موصوف به آن سیره بشوند.

این سه درجه که قابل افزایش و تکثر است مربوط به سیره غیردینی است.

انواعی از سیره‌های دینی است

۴- ارباب دیانات

سیره‌هایی که صاحبان ادیان دارند و در مواردی هم به سیره ارباب دیانات هم تمسک می‌کنیم. در فقهنا در عبادات جاهایی وجود دارد که ارباب دیانات و صاحبان ادیان این نوع روش و اقدام را دارند که این نوع روش و اقدامشان به حیث دینی کلی و مشترک برمی‌گردد.

۵- دیانات خاصه

در ادامه دیانات خاصه هست که دیانات خاصه ممکن است برای خود رفتارهای ویژه‌ای داشته باشند و احیاناً ممکن است از منظر فقهی قابل استفاده هم باشد.

۶- سیره‌های مسلمانی

سیره‌هایی که از عموم مسلمانان صادر می‌شود

۷- سیره‌های مذاهب دیگر

۸- سیره‌های شیعیان

اینها انواع سیره‌ها هست که چهار مورد آن مربوط به قبل از دین و منحاذ از دین است که مهم‌ترین عناوین آن را گفتیم و چهارتای بعدی مربوط به سیره‌های برآمده از مناشئ دینی است که یا مشترک بین ادیان است و یا خاص بعضی از دیانات است یا خاص مسلمانان است ولی مشترک بین مذاهب یا مربوط به مذاهب دیگر یا خصوص شیعه که آن که بیشتر برای ما اینجا مهم است در سیره‌های متشرعه، همان متشرعه به معنای مطلق مسلمانان است یا شیعیان است که این دو بیشتر اهمیت دارد.

این سیره‌هایی است که به مردم نسبت داده می‌شود از حیث قبل دینی و منحاذ از دین و یا از حیث دین که مراتب دارد و اشاره شد.

افزون بر اینها دو سیره وجود دارد که متفاوت با اینهاست؛ یکی سیره معصوم وجود دارد که در سیره معصوم طیفی هست؛ سیره‌ای که همه معصومین در آن مشترک هستند از انبیاء و ائمه.

سیره‌ای که مختص به این نبی یا آن امام یا آن پیامبر هست

سیره‌ای که مربوط به پیامبر و ائمه هست

و سیره‌های خاصی که در ائمه می‌شود سراغ گرفت.

به هر حال یکی هم سیره معصوم است

و دیگری هم سیره خداست که این هم خیلی بحث نشده است، سیره خدا که می‌گوییم از این قبیل که خدا در قران چگونه سخن می‌گوید چون خدا هم فعل دارد و هم قول دارد و در قول قواعدی بر آن وجود دارد و آن سیره قولی خدا مورد بحث است که در طول این سال‌ها سه چهار جلسه راجع به این بحث کردیم بعضی از تفسیری که گفته می‌شود به این سیره قولی خدا در قران برمی‌گردد.

اینکه قران تدریجاً تربیت می‌کند این اعتبار و حجیت دارد و می‌شود از این الگو و الهام گرفت این سیره خدا در نوع سخن گفتن است در تفسیر آن که دنبال می‌کنیم این است که خدا چه گفت؟ محکی خدا دنبال می‌شود و از آن استفاده می‌شود اما نوع حکایت و قول خدا، استفاده می‌شود ولی قاعده‌مند نیست که نیاز به ضابطه‌مندی دارد

ممکن است فعل خدا در تکوین محل بحث قرار بگیرد یا فعل خدا در تشریع در ارسال رسل و امثال اینها و یکی هم در قول خدا هست این قابل استفاده است

از یک منظر کلی این دوازده نوع سیره که اشاره شد می‌شود در چند محور اصلی قرار داد.

سیره مردم و بشر قبل از آنکه به ساحت دین برسند که انواع و اقسامی دارد و ممکن است در جاهایی دین آن‌ها را بپذیرد و عدم ردع و سکوت جاری بشود و آن دینی بشود ولی جریان و سیره مردمی است و احیاناً عقلایی و یا عرف خاص است

محور دوم: سیره اصحاب دیانات است که به نحوی تحت شعاع دین قرار گرفته است که این هم طیف دارد.

محور سوم: سیره گروه‌های خاصی که وجه ویژه‌ای دارند که سیره معصومین از انبیاء و اوصیاء باشد.

محور چهارم: سیره خدا، رفتار الهی، نه محکی اقوال خدا، سیره‌های خدا اعم از افعال تکوینی و افعال تشریعی و حتی اقوال او ولی تمرکز روی کیفیت سخن گفتن خداست آن سامانه‌ای که خدا ریخته و قران بر اساس آن نزول پیدا کرده است و احادیث قدسی صادر شده است، آن سامانه و آن نظم و آن ویژگی‌ها، آن کیفیات و احوال و آن اطباع و آن قواعد و آن ضوابطی که بر اقوال حاکم است که نگفته است من این را می‌گویم ولی این‌جوری رفتار کرده است.

به عبارت دیگر رفتارهای خدا، معصومین، متشرعه، عقلا و مردم این تقسیم را می‌شود به این شکل تنظیم کرد و هر کدام از اینها اقسامی دارد و همه در اصول باید بحث شود از منظر منهجی و استنباطی باید بحث شود و اهمیت بالایی دارد

این نکته دوم که طیف این افعال و اعمال و رفتارهای صادره از آن اشخاص که به این شکل ملاحظه کردید.

آن که مهم است این است که ممکن است سیره‌ای در متشرعه باشد و این در میان آن‌هاست ولی آیا ناشی از تشرع آن‌ها هست یا نیست این بزنگاه اصلی است

آیا شکل‌گیری این الگوی رفتاری ناشی از تشرع است یا خیر؟ ناشی از تشرع هم خود طیف دارد یک نوع از قسم دوم اگر احراز بشود می‌شود دلیل و می‌شود اثبات حکم کرد.

مبحث سیره در اصول یک باب بزرگی است که این چهار پنج نوع کلیدی در آن قرار می‌گیرد از سیره خدا و معصوم و عقلا و مردم و متشرعه که هر کدام انواع و اقسام دارد که باید مورد بحث قرار بگیرد. سیره پشتوانه خود اصول هست

## نکته سوم

یادآوری آن دوازده تقسیم در باب سیره است بخشی از آن تقسیمات چهارده پانزده مورد که قبلاً می‌گفتیم و می‌شود گفت آن‌ها تقسیمات مشترک در سیره‌هاست.

# اقسام سیره‌ها

۱- تقسیم سیره به سیره فعلی و قولی، آنچه در ذهن ما تداعی می‌کند سیره مقابل قول است رفتارهایی است که از انسان‌ها صادر می‌شود مقابل قولها.

سیره قولی: یعنی چگونه حرف می‌زند و کجا می‌نشیند و فراز و فرودش کجاست که مقداری در معانی بیان به این توجه شده است. و در علوم انسانی جدید به این توجه شده است و در اصول باید به این توجه بشود و در مورد معصوم هم هست می‌گوییم امام صادق علیه‌السلام چهل هزار حدیث دارد که آیا از اینها می‌شود چیزی استفاده کرد اینها سیره‌های ناظر به اقوال، از این جهت است که باید سیره را تقسیم کنیم و مصطلاحات آن را تبیین بکنیم. بر اساس این تقسیم سیره قولی و فعلی می‌شود گفت سیره سه اصطلاح دارد.

سیره فعل مقابل قول گاهی گفته می‌شود سیره به معنای اعم که شامل سیره ناظر به اقوال هم می‌شود

پس سیره به معنای اعم تقسیم می‌شود به فعلی و قولی

گاهی سیره را نوع فعلی می‌گویند و گاهی هم اعم می‌گویند و بسیار مهم است این مسئله

۲- تقسیم سیره به وجودی و عدمی

فعل و ترک، یک سیره هست می‌گوییم این کار را کرد و یک سیره هم هست که می‌گوییم این کار را نکرد در این موقعیت قرار گرفت و چیزی نگفت

بنابراین هم فعل سیره هست و هم ترک سیره هست

این تقسیم هم مولد دو اصطلاح است که سیره به معنای عام است که هر دو را می‌گیرد هم فعل و هم ترک و سیره به معنای خاص که شامل وجودی و افعال و مقابل تروک است

اما اینجا به معنای عام به کار می‌گیرم سیره‌ای که هم افعال عقلا یا متشرعه یا معصوم را می‌گیرد هم تروک آن‌ها را می‌گیرد از قبیل ‌عدم ردع‌ها که اهمیت داشت.

۳- سیره فعلی و شأنی

سیره‌هایی داریم که الان تحقق فعلی دارد و سیره‌هایی داریم که مبتنی بر یک ارتکاز که گفته می‌شود اگر عقلا در این شرایط قرار بگیرند این‌طور رفتار می‌کنند ولو فعلاً در آن شرایط قرار نگرفته باشند. ولی یک ارتکاز قوی است که آدم را مطمئن می‌کند که اگر در این شرایط قرار بگیرند به معاطات عمل می‌کنند ولو اینکه هنوز هیچ به این عمل نکرده‌اند.

اینجا هم دو اصطلاح پیدا می‌شود که سیره به معنای عام که فعلی و شأنی را هر دو می‌گیرد و سیره به معنای خاص که رفتارهای صادر شده است.

۴- سیره‌های جوانحی و جوارحی

گاهی از سیره مراد این است که این جور رفتار می‌کند، ابقاء ماکان می‌کند در عمل، در معامله معاطات می‌کند و صیغه جاری نمی‌کند و اینها سیره‌های رفتارهای جوانحی است ولی ممکن است سیره‌هایی پیدا بشود که مربوط به حالت جوانحی است که غضب می‌کند و ناراحت می‌شود خوشحال می‌کند و این حالات که درونی است و از عقلا در حالات خاص صادر می‌شود این می‌تواند محل بحث قرار بگیرد.

از این جهت این تقسیم تولیدکننده و همراه دو اصطلاح است سیره عام که هم جوارحی و هم جوانحی را می‌گیرد و یک معنای خاص که سیره‌های جوارحی را فقط می‌گیرد که تبادر اولیه این است

۵- سیره‌های همراه با ارتکاز و بدون اتکاز و منشأ درونی

غالب موارد این طور است که سیره‌هایی عقلایی وجود دارد همراه با یک ارتکازات است یعنی یک گزاره‌های پنهانی در عمق ضمیر اشخاص وجود دارد آن‌ها را به سمت این اقدامات برده است که معاطات را ترتیب اثر می‌دهد یا ید را اماره ملکیت می‌داند این ارتکازی آن را همراهی می‌کند که این همراهی ارتکاز بسیار وسیع است و بسیار مهم است و خیلی به سیره رنگ می‌دهد و احیاناً می‌شود گفت سیره‌هایی هست که با ارتکاز لااقل معین پایدار آن‌جوری همراهی نمی‌کند.

در موقعیت این‌جوری عمل کرده‌اند بدون اینکه ارتکازی همراه آن باشد بخصوص اگر سیره را بگوییم آن رفتارهای پراکنده را می‌گیرند آن وقت همراه با ارتکاز نیست.

۶- سیره متفرد و متکرر

سیره‌ای که یک‌بار و محدود صادر می‌شود یا سیره‌هایی که متکرر است

گفتیم معنا را عام می‌گیریم تا محدود غیر متکرر هم گاهی وجه اصولی پیدا می‌کند و قابل استفاده است

۷- سیره فردی و اجتماعی

گاهی سیره ناشی از یک حس فردی است یا خانوادگی است گاهی سیره یک حس اجتماعی دارد و اجتماعی هم انواعی دارد اقتصادی و سیاسی و…

۸- سیره در مسیر اثبات

تقسیمی که آقای صدر دارند که سیره در اثبات یک کبرای فقهی قرار می‌گیرد و گاهی در مسیر اثبات موضوع و متعلق حکم قرار می‌گیرد و گاهی در مسیر حجج قرار می‌گیرد حجیت خبر واحد و امثال اینها یک تقسیم سه ضلعی آنجا دارند.

۹- سیره‌های عصر معصوم و مستحدث

۱۰- سیره‌هایی که یا اصل عمل را نشان می‌دهد یا سیره‌هایی که آداب و کیفیات را نشان می‌دهد

این حداقل ده تقسیمی است که اینجا وجود دارد افزون بر نکته دو گفته شده است که از حیث اینکه چه کسی این سیره به او وابسته است مردم و معصوم و… تنوع دارد که جدا کردم

این تقسیماتی است که در سیره وجود دارد بسیاری از اینها در سیره متشرعه هم هست

صلی الله علی محمد و آل محمد